

# حضرت زهرا همراهان جبرئیل جبرئیل به همراهان خاتم

عباس کوثری

۱- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

[www.mohaddaseh.ir](http://www.mohaddaseh.ir)

[info@mohaddaseh.ir](mailto:info@mohaddaseh.ir)

[mohaddaseh@gmail.com](mailto:mohaddaseh@gmail.com)

## حضرت زهرا همراه جبرئیل

روایتی در کافی شریف با سند معتبر نقل شده است؛ که حضرت صادق (ع) می‌فرماید

فاطمه (س) بعد از پدرش هفتاد و پنج روز زنده بودند، در این دنیا بودند و حزن و «شدت بر ایشان غلبه داشت؛ و

جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسایلی از آینده نقل می‌کرد.» ظاهر روایت

این است که در این هفتاد و پنج روز مراده‌ای بوده است؛ یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است... البته آن

وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم....

در هر صورت، من این شرافت و فضیلت را از همه فضایلی که برای حضرت زهرا ذکر کرده‌اند: با این که آنها هم

فضایل بزرگی است این فضیلت را من بالاتر از همه می‌دانم که برای غیر انبیا علیهم السلام آن هم نه همه انبیا،

برای طبقه بالای انبیا و بعضی اولیایی که در رتبه آنهاست، برای کسی دیگر حاصل نشده. (امام خمینی، ۱۱/ ۱۲)

(۶۴/)

امام خمینی (ره) عاشق خدا بود و شیدای حق. دل‌داده رسالت بود و جرعه نوش کوثر ولایت. یاد و نام مادرش

زهرا را اطهر برایش دل انگیز بود و شورآفرین. تقدیر نیز این دوستداری و جذبه ولایی را زیبا و نیک به هم پیوند

داد و میلاد فرزند را قرین تجلی نور فاطمی در بیستم جمادی الثانی قرار داد. کتاب «مصباح الهدایه الی الخلافه

والولایه»، پرتوی از شیدایی و مهر ولایی اوست و سخنان فوق جلوه شکوهمندی از مهر و معرفت مقام فاطمی.

امام (ره) با نقل روایتی معتبر از اصول کافی به عظمت معنوی فاطمه (س) که همان محدثه بودن است اشاره

می‌کند و آن را مهمترین فضیلت بانوی نمونه اسلام می‌شمارد. فضیلتی که جز برای طبقه اول انبیا برای دیگری

حاصل نشده است. گفتگو با جبرئیل به مدت هفتاد و پنج روز و سخن گفتن با فرشتگان که به خاطر مکرمات و

عظمت فاطمی به حضورش می‌شتافتند. امام صادق (ع) در پاسخ فردی که می‌پرسد: محدث چیست؟ می‌فرماید:

«یا تیه ملک فینکت فی قلبه کیت و کیت».

محدثه کسی است که فرشته به سوبش می آید و به قلب او لطایف و نکات آسمانی را یاد آور می شود.

امام باقر (ع) می فرماید: محدث کسی است که فرشته را نمی بیند؛ اما سخن او را در بیداری می شنود.

وجود فردی که محدث و گوش فرادهنده به حدیث فرشتگان باشد، مورد اتفاق تمامی دانشمندان شیعه و سنی است. و از اختصاصات شیعه شمرده نمی شود. مرحوم علامه امینی در بحث «المحدث فی الاسلام» نصوص فراوانی از اهل سنت ذکر می کند که وجود محدث را پذیرفته اند و بر افرادی تطبیق کرده اند.

البته شیعه موارد تطبیقی آن را قبول نکرده، مصادیق و جلوه های آن را در عترت پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام می داند؛ ولی متون مزبور بیانگر این است که شیعه در مساله وجود محدث در اسلام تنها نیست و دیگر فرق اسلامی نیز آن را پذیرفته اند. از طرفی، پذیرفتن وجود انسانهایی مورد خطاب فرشتگان به معنای نبوت و پیامبری نیست. حمران ابن اعین می گوید: امام باقر (ع) به من فرمود که علی (ع) محدث بود. من آن را برای یاران خویش نقل کردم. آنان پرسیدند:

چه کسی با او گفتگو می کرد؟ پاسخی نداشتیم. به سوی امام باقر (ع) برگشتم و پرسش را به وی عرضه داشتیم.

حضرت فرمود: فرشته با او سخن می گفت. گفتیم منظورتان این است که پیامبر بود؟

حضرت دست خود را حرکت داد و فرمود: خیر، آنان همانند کسانی اند که همراه حضرت سلیمان و حضرت موسی بودند و یا مثل ذوالقرنین شمرده می شوند.

امام صادق (ع) نیز در پاسخ به این پرسش می فرماید: خیر، پیامبر نیستند. آنها از علمایند، همانند ذوالقرنین در علم خویش.

در اصول کافی، در باب فرق بین رسول و نبی و محدث، نیز به این مطلب تصریح شده است. امام باقر و امام صادق

علیهما السلام پس از بیان اینکه امام «محدث» و مورد گفتگو و خطاب فرشتگان است، می فرماید:

«لقد ختم الله بكتابتكم و ختم بنبيكم الانبياء.» با قرآن کتابهای آسمانی پایان یافت و با حضرت محمد (ص)

پیامبری به آخر رسید.

بدین ترتیب، «محدث» هرگز به معنای نبوت و پیامبری نیست.

در این راستا امام خمینی (ره) می فرماید: البته آن وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم

(ص).

درباره حضرت صدیقه در روایات، دو جهت گفتگو مطرح شده است:

یکی گفتگو با فرشتگان و دیگری حضور جبرئیل نزد آن حضرت.

حضرت امام صادق (ع) می فرماید: «فاطمه بنت رسول الله (ص) کانت محدثه و لم تکن نبیه» فاطمه دختر رسول

خدا، محدثه بود نه پیامبر.

سپس در ادامه توضیح می دهد که فاطمه را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل

می شدند و همان گونه که با مریم دختر عمران گفتگو داشتند، با او چنین سخن می گفتند:

«یا فاطمه، خدای متعال تو را پاک گردانید و از میان تمام زنان عالم برگزید.» شبی حضرت صدیقه (س) به

فرشتگان فرمود: آیا آن زن که از جمیع زنان عالم برتر است، مریم دختر عمران نیست؟

جواب دادند: نه، مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خویش بود؛ ولی خدای تعالی تو را بزرگ بانوان جهان در تمام

زمانها از اولین و آخرین قرار داده است. روایتی که امام خمینی از آن یاد کرده، چنین است:

«ان فاطمه مکثت بعد رسول الله خمسه و سبعین یوما و قد کان دخلها حزن شدید علی ابیها و کان جبرئیل یاتیها

فیحسن و یخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها و کان علی یکتب ذالک فهذا مصحف فاطمه.» فاطمه بعد از رحلت

پیامبر اکرم (ص) بیش از هفتاد و پنج روز زنده نماند. داغ پدر اندوهی سخت بر قلبش وارد ساخته بود؛ به این

جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می آمد و او را در عزای پدر تسلیت می گفت. خاطر غمین زهرا را تسلی

می بخشید و از مقام و منزلت پدرش، حوادثی که بعد از رحلت او بر فرزندان او وارد می گردید، خبر می داد.

امیرمومنان (ع) آنچه جبرئیل می گفت به رشته تحریر در می آورد. مجموع این سخنان «مصحف فاطمه» را شکل می دهد.

این جهت نیز به شان و منزلت نبوت ارتباط ندارد؛ زیرا در قرآن کریم از حضرت مریم و سخن گفتن جبرئیل با او یاد می کند. با اینکه آن حضرت پیامبر نبود. امام خمینی در این زمینه می نویسد:

در قرآن کریم آیاتی هست که دلالت می کند بر آنکه اشخاصی که پیغمبر نبودند، ملائکه؛ بلکه جبرئیل را دیدند و

با او سخن گفتند. ما نمونه ای از آن را اینجا یاد می کنیم: (اذ قالت الملائکه یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک

واصطفیک علی نساء العالمین) (سوره آل عمران، آیه ۴۲) یعنی چون ملائکه گفتند به مریم که خدا تو را برگزیده

و پاکیزه کرده و فضیلت داد برزنهای جهان، پس از آن خدای تعالی حکایت مریم را نقل می کند از «آیه ۴۴»

بسیاری از حالات عیسی مسیح و معجزات او را ملائکه برای مریم نقل می کند و از غیب به او اخبار می دهند؛ و در

سوره مریم (آیه ۱۷) می گوید: (فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سويا)؛ و قضیه مرادده ملائکه و جبرئیل با مریم

در بسیاری از آیات قرآن مذکور است و خبرهایی که از غیب به او دادند، خداوند نقل می کند.

آمدن جبرئیل نزد حضرت صدیقه از عظمت و تعالی روحی و اوج معنوی آن بزرگوار حکایت می کند؛ زیرا درباره

کیفیت ایجاد رابطه جبرئیل و فرشتگان با انسان دو نظریه است. نظریه ای که فلاسفه بر آن تاکید دارند، این است

که می گویند: انسان تا در طبیعت و ماده است، در حجاب است و نمی تواند به ملا اعلی دست یابد. همین که خود را

از معاصی و لذات و تعلقات نفسانی آزاد ساخت، نور معرفت و ایمان به خدا و ملکوت اعلی در قلبش تجلی می کند.

این نور در بالاترین مرتبه خویش همان جوهر قدسی است که در اصطلاح فلاسفه عقل فعال و در زبان شریعت نبوی روح قدسی نامیده می‌شود. با ظهور این نور، آنچه در آسمانها و زمینهاست برایش روشن می‌گردد. و حقایق اشیا را می‌بیند، همان گونه که نور مادی را در صورتی که حجاب نباشد مشاهده می‌کند. در این زمینه به آیاتی نیز استشهاد شده است؛ برای نمونه خداوند می‌فرماید:

(و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون) بر دلهای آنها مهر زده شده، پس آنان چیزی نمی‌فهمند.

(بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون) گناهایی که انجام دادند بر دلهای آنان غلبه کرده است.

پس از آنکه فرد از این حجابها دور شد، باطن او معراج معنوی خویش را آغاز می‌کند؛ سر ملکوت بر او آشکار

شده، آیات بزرگ خداوند را مشاهده می‌کند. چنانکه خداوند می‌فرماید:

(لقد رای من آیات ربه الکبری) سپس همین روح قدسی در روح بشری و دنیایی‌اش تاثیر می‌نهد. و حقایقی که

شهود کرده، در حواس ظاهری مانند بینایی و شنوایی متمثل آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، شخص حقایق ملکوتی را، که در آن عالم حقیقی خارجی و مشخص است، به صورت محسوس مشاهده می‌کند.

بر اساس این نظریه، تکامل و عروج معنوی و روحی انسان سبب ارتباط با حقایق ملکوت می‌شود.

نظریه دوم این است که روح ولی یا پیامبر سبب نزول فرشتگان نیست، بلکه خداوند فرشته را مامور می‌کند در

پیشگاه ولی خدا قرار بگیرد و مسایل را بازگوید. ظواهر ادله نیز بر درستی این نظر گواهی می‌دهد. بر اساس این

نظریه، تا ظرفیت معنوی و تناسب روحی کامل بین ولی الهی و فرشته نباشد، این نزول ممکن نخواهد شد. قرآن

کریم در این زمینه می‌فرماید:

(الله اعلم حیث یجعل رسالته) (انعام، ۱۲۴) خداوند آگاه‌تر است که پیامبری و رسالت خویش را در کدامین جایگاه

قرار دهد.

در شان نزول این آیه می خوانیم که: ولید ابن مغیره می گفت: چون ثروتمند هستم و سن بیشتری دارم، باید بر من وحی نازل شود.

خداوند متعال می فرماید: شایستگی ها را خداوند می داند. برای این در آیه دیگر صبر و یقین را عامل وصول به مقام امامت معرفی می نماید و می فرماید:

(و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لما صبروا و كانوا بآیاتنا یوقنون) (سجده، ۳۴) از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند؛ و این بدان سبب است که آنان صبر پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند.

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: مساله آمدن جبرئیل برای کسی یک مساله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هرکسی می آید و امکان دارد بیاید. این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است. چه ما قابل بشویم به این که قضیه تنزیل، تنزل جبرئیل، به واسطه روح اعظم خود این ولی است یا پیغمبر است، او تنزیل می دهد او را و وارد می کند تا مرتبه پایین یا بگوییم که خیر، حق تعالی او را مامور می کند که برو و این مسایل را بگو.

چه آن قسم بگوییم که بعضی اهل نظر می گویند. و چه این قسم بگوییم که بعضی از اهل ظاهر می گویند تا تناسب ما بین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد امکان ندارد این معنا...

این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر انبیا علیهم السلام آن هم نه همه انبیا برای طبقه بالای انبیاءعلیهم السلام و بعضی از اولیایی که دررتبه آنها هست، برای کسی دیگر حاصل نشده.

امید آنکه پرتوی از فیض کوثر قرآن صدیقه طاهره دل و جانمان را روشن سازد و با شناخت هرچه بیشتر آن بانو، گلوژه های تقوا و ایمان را در اجتماع خویش متجلی سازیم.

